



۲۰۱۷/۰۳/۱۹



زهرة صابر هروی

در سوگ فرخنده شهید



حرف دلم نگفته و بر لب نهفته ماند

گل های آرزوی دلم نا شگفته ماند

يك فصل التماس به پای کسان شدم

سودی نکرد، زجه جانم نگفته ماند

هر کس به نام شرع لگد زد بجان من

با مشت خشم صورتم اینجا شگفته ماند

نا مرد سرو قامت من را چنان شکست

ذرات جان من همه پدرود گفته ماند

مردم در آتش ستم سخت سوختند

فریاد من به گوش کسان نا شنفته ماند

گرگان وحشی یی ستم آیین عاقبت!

گشتند به خواریم، ولی فریاد خفته ماند

زهره صابر هروی ساجدی

۲۰۱۵/۰۳/۲۲

